

فلسوفی که پدر علم اقتصاد لقب گرفت

نظریات اقتصاد بازار آزاد پس از قرن‌ها تغییر و تحول، همچنان منتقدان و مدافعان جدی در بین اقتصاددانان دارد. بسیاری معتقدند تا دخالت در بازارها نباشد...



نظریات اقتصاد بازار آزاد پس از قرن‌ها تغییر و تحول، همچنان منتقدان و مدافعان جدی در بین اقتصاددانان دارد. بسیاری معتقدند تا دخالت در بازارها نباشد، نمی‌توان به حرکت اقتصاد در مسیر درست امیدوار بود و بسیاری نیز اقتصاد را دارای یک ویژگی ذاتی می‌دانند که اگر فارغ از دخالت‌های بیرونی باشد، خود مسیر درست را پیدا کرده و به سمت تعادل و پیشرفت هدایت خواهد شد، اما ریشه این دیدگاه کجاست؟ پاسخ این سوال را باید در نظریه «دست نامرئی» جستجو کرد؛ نظریه‌ای که به نام بد، علم اقتصاد ثبت شده است.

آدام اسمیت را پدر علم اقتصاد می‌دانند؛ فیلسوف اسکاتلندی که با تمام تبحرش در علم فلسفه، به اقتصاد علاقه مند شد و با انتشار کتابی به نام «بررسی درباره ماهیت و علل ثروت ملل» ایده‌های خود را درخصوص اقتصاد به تفصیل شرح داد. این کتاب یکی از اولین تلاش‌ها برای مطالعه سیستماتیک پیشرفت تاریخی صنایع و تجارت در اروپاست.

یکی از نظریات اساسی اسمیت که امروزه محل مناقشه زیادی در مجامع کارشناسی شده، همان دست نامرئی است. اساس این نظریه بر این مبنا استوار است که در صورت دخالت نکردن دولت‌ها در اقتصاد و جلوگیری از ورود نیروهای بیرونی به بازارها، منافع اجتماعی با منافع فردی هماهنگ شده و عرضه و تقاضا در تمام بازارها در نهایت به تعادل خواهد رسید؛ حالتی که بهترین شرایط را رقم خواهد زد و هدف نهایی تمام سیاستگذاران و مجریان است.

از نظر آدام اسمیت، زمانی که تمام افراد جامعه در جهت کسب منافع شخصی آزاد باشند و هر فردی بتواند بدون مانع نفع شخصی خود را تأمین کند، منافع اجتماع هم به بهترین شکل حاصل خواهد شد؛ مساله‌ای که نه تنها اقتصاد اسلامی که بسیاری از اقتصاددانان نهادگرا با آن بشدت مخالف هستند و دلایل منطقی نیز خود دارند که شاید بتوان اخلاق را شاه کلید این دلایل دانست.

اسمیت پیش از انتشار کتاب ثروت ملل در سال 1776، کتاب نظریه عواطف اخلاقی را در سال 1762 میلادی منتشر کرد تا نامش در ردیف نظریه پردازان زمان خود قرار گیرد. اما نظرات در مورد این دو کتاب متفاوت است.

برخی این دو کتاب را هم جهت و برخی ناقض هم می‌دانند. برخی عنوان می‌کنند اسمیت به نظریه عواطف اخلاقی ایمان قلبی نداشته و با نگارش آن می‌خواسته جایگاه خود را به عنوان استاد فلسفه اخلاق تثبیت کند، اما به گمان برخی دیگر، نه تنها کتاب اول از روی مصلحت نوشته نشده، بلکه اساسا بررسی درباره ماهیت و علل ثروت ملل، بسط و تعمیم نظریه عواطف اخلاقی در دیگر جنبه‌های رفتار آدمی است.